



مؤلفه‌های کثرت‌گرایی دینی کیث وارد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

پگاه جمشیدی^۱

قدرت‌الله قربانی^۲

چکیده

در برابر نقدهای واردشده بر نظریه کثرت‌گرایی دینی جان هیک در زمینه چرایی و چگونگی حقانیت و نجات ادیان و همچنین استخراج مبانی و الگوی نظریه دینی وی، سعی فلاسفه و الهی‌دانان بر این بود که در عین احترام به اصل گشودگی نظریه دینی هیک، به اصلاح و تکمیل نظریه وی در باب مسئله واقع‌نمایی تمام تجربیات دینی بپردازند. در این میان کیث وارد، در عین طبیعی و مفید دانستن مسئله تنوع ادیان و قدردانی از جان هیک، بر مرز بین درست یا قابل قبول بودن و کفایت یا گشودگی بُعد اعتقادی دین نسبت به آینده و همچنین درک متقابل تکاملی ما از آن تأکید می‌ورزد. او تلاش دارد پشتوانه رویکرد جدیدی در باب کثرت‌گرایی دینی به نام کثرت‌گرایی نرم باشد. او با نقد لوازم رویکرد حداکثری، به ویژه مبنای معرفتی و نتایج ناپذیرفتنی آن، بر موارد مهمی چون اهمیت بُعد اعتقادی دین، اجتناب از خودبسندگی دینی، و توجه به تحول جهان‌بینی‌های برخاسته از اعتقادات دینی در طول تاریخ تأکید دارد. در این تحقیق، علاوه بر تبیین مؤلفه‌های کثرت‌گرایی کیث وارد، نتایج و لوازم منطقی کثرت‌گرایی نرم و گشوده او نیز استخراج شده است: گشودگی در لزوم کفایت باورهای دینی خود، احترام ادیان به یکدیگر و اهمیت عمق‌بخشی به معنویت خود، وجود امکان تفاهم در اختلاف اغراق‌آمیز ادیان، تعهدی خطاپذیر از تجربه واقعیت دینی خود و احترام به وجود ادیان متنوع، و بازنگری دقیق در دسته‌بندی ادیان.

کلیدواژه‌ها

کثرت‌گرایی دینی، رویکرد گشوده و نرم، بُعد اعتقادی، حقیقت الوهی، کیث وارد

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه دین، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

(pegah.jamshidi.a@gmail.com)

۲. دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

(qodratullahqorbani@khu.ac.ir)



Elements of Keith Ward's Religious Pluralism

Pegah Jamshidi¹

Reception Date: 2022/04/16

Qodratullah Qorbani²

Acceptance Date: 2022/08/10

Abstract

Keith Ward tries to choose a new approach to religious pluralism called "soft and open religious pluralism." Considering the question "What are Keith Ward's elements of religious pluralism?" this paper attempts to explain how he overcame John Hick's religious pluralism and introduced his soft and open religious pluralism, as well as its logical requirements. By criticizing John Hick's extreme approach to religious pluralism, particularly its epistemic basis and unacceptable results, Ward emphasizes the possibility of divine manifestation in all religious traditions, the importance of the doctrinal dimension of religion, the avoidance of adequacy of religion, and the development of religious worldviews. He believes it is unacceptable to believe that all religions have one internal core that can be understood only by a limited number of people. According to his viewpoint, the experience of divine reality cannot be wholly explainable and comprehensible. Also, making a difference between internal and external forms of religion may lead to an exclusivist approach. Some of the more important consequences of Keith Ward's tendency to open religious pluralism are: openness to other religions, not adopting an exclusivist viewpoint, respecting religious struggles and striving to excel in one's own spirituality, fostering mutual understanding among religions, and recognizing that our understanding and commitment to our religion is insufficient.

Keywords

Religious Pluralism, Open and Soft Approach, Doctrinal Dimension, Divine Reality, Keith Ward

1. Master Student of Philosophy of Religion, Kharazmi University, Tehran, Iran.
(pegah.jamshidi.a@gmail.com)

2. Associate Professor, Department of Philosophy, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) (qodratullahqorbani@khu.ac.ir)

مقدمه

کیث وارد (ز. ۱۹۳۸) فیلسوف، الهی‌دان و کشیش انگلیکان، از فیلسوفان دین معاصر، تلاش وافری برای ارائه تقریری نو از کثرت‌گرایی دینی دارد. تلاش وارد گذر از کثرت‌گرایی دینی حداکثری، به ویژه تعدیل مبنای معرفتی و حقایقی آن، و تلاش برای ارائه فهم و تفسیری نوین از آن است. در این تحقیق سعی می‌شود مؤلفه‌های این تقریر استخراج و لوازم منطقی آن بیان گردد. او در چنین تقریری از کثرت‌گرایی دینی بر مؤلفه‌های مهمی از جمله تعهدی محدود و قابل قبول به بُعد اعتقادی دین، رد کردن هسته‌ای واحد در زیربنای تمام ادیان، و بازنگری و تکامل دعاوی دینی باستانی تأکید دارد. دیدگاه کیث وارد می‌تواند دارای لوازم منطقی خاص خود باشد که عبارت‌اند از: گشودگی در باب لزوم کفایت باورهای دینی خود، احترام ادیان به یکدیگر و اهمیت عمق‌بخشی به معنویت خویش، وجود امکان تفاهم در اختلاف اغراق‌آمیز ادیان، داشتن تعهدی خطاپذیر از تجربیات دینی خود و در نهایت بازنگری دقیق در دسته‌بندی ادیان. در این تحقیق تلاش می‌شود ضمن توضیح مؤلفه‌های کثرت‌گرایی وارد، چگونگی عبور او از کثرت‌گرایی دینی حداکثری، و نتایج منطقی التزام به رویکرد کثرت‌گرایی نرم و گشوده او تبیین گردد.

۱. مقدمات کثرت‌گرایی دینی کیث وارد

کیث وارد توصیف دین به صفت «خطرناک» را، که منجر به عدم مدارا، نفرت و خشونت می‌شود، ناشی از این می‌داند که موضوع دین درست تعریف نشده است، زیرا دست‌یابی به یک تعریف کلی و جامع که بتواند همه ادیان را پوشش دهد آسان نیست (Ward 2008b, 413). کیث وارد معتقد است کاملاً اشتباه است که بگوییم دین خطرناک است، گفتن این که همه این تمایلات شیطانی توسط افراد مذهبی ایجاد می‌شوند و چون من آدم مذهبی نیستم، پس همه شرور تقصیر آنهاست نه من، واقعاً خطرناک است. این ما هستیم که چه دین‌دار باشیم و چه نباشیم، کم‌تحمل و ظالم هستیم (Ward 2008b, 414). کیث وارد می‌گوید:

دین همیشه یک پدیده نسبتاً مبهم است. هیچ کس نمی‌خواهد بگوید که هر آنچه در دین هست درست و مفید است، شاید خیلی چیزها گمراه‌کننده و حتی مضر باشند. کاری که ما باید انجام دهیم این است که مطمئن شویم چیزهای گمراه‌کننده را از دین خود حذف کنیم و چیزهای خوبی را که باید گفته شوند از سایر ادیان بیاموزیم. (Ward 2007, 68)

از نظر او، منطقی است که بگوییم بسیاری از چیزهایی که معمولاً آنها را دین می‌نامیم به بُعدی معنوی از واقعیت دینی توجه دارند. آن چیز فیزیکی نیست، بلکه در درون و از طریق امر فیزیکی در ادیان مختلف به طرق مختلف قابل توصیف است و به طور معمول نیز گفته می‌شود که آن چیز (یا احتمالاً آن چیزها) ارزش و قدرت زیادی دارد و برای افراد نادری قابل دسترسی است و رفاه یا بهزیستی انسان را تأمین کرده و او را از شر رهایی می‌بخشد (Ward 2019, 29). او می‌گوید:

در یک تلقی از دین مسیحی که من قبول دارم، امر ایدئال عشق و محبتی است که هم از خودگذشتگی داشته و هم خودآگاه باشد و این امر مهم با تأمل در شخص عیسی، که هم به زبان و هم از طریق زندگی خود آموخت که خدا عشق نامحدود است، الهام و صورت‌بندی شده است. قدرت علی همان روح‌القدس است و اعتقاد بر این است که عیسی آن را به شاگردانش داده و آن به تحقق این ایدئال‌ها در عمل کمک می‌کند. هدف دین تأسیس جامعه‌ای از افراد عاشق و خلاق است و با یاری این هدف خداوند قابل دستیابی است، اگرچه کمال آن فقط در جهان آینده وجود خواهد داشت، دنیایی که همه کسانی که تا به حال در آن زندگی کرده‌اند می‌توانند در آن سهیم باشند. (Ward 2019, 205)

کیث وارد معتقد است رویکرد محدودکننده شمول‌گرایی برای بیشتر مسیحیان با باور به یک خدای کاملاً عاشق ناسازگار است. طبیعی است فرض کنیم که خداوند در برخی سنت‌های دینی تلاش می‌کند تا افراد یعنی کسانی را که هرگز نام عیسی را نشنیده‌اند، چه رسد به این که او را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده شناخته باشند، به خود نزدیک کند (Ward 2007, 77). از نظر او، اقبال به رویکرد شمول‌گرایی مخالف با مشخصه ظاهری ایمان مسیحی یعنی محبت حتی نسبت به دشمنان خود است (Ward 2019, 166). «شاید درک کامل رستگاری، درک مطلق ماهیت خدا، در آینده نهفته است و یا حتی فراتر از هر درک صرفاً انسانی در آینده قابل پیش‌بینی باشد» (Ward 2019, 167).

سومین پاسخ احتمالی مرتبط با سنت‌های انباشته دینی و مسئله نجات در رویکرد کثرت‌گرایی دینی روشن می‌شود. جان هیک می‌گوید باورهای فراتاریخی غیرقابل تأیید، ابطال‌پذیر و مناقشه‌آمیزی وجود دارند که از نظر اهمیت در نظام‌های اعتقادی متفاوت هستند. این باورهای فراتاریخی، به عنوان موضوعات شناخت ما، به طور مستقیم نظرات مخالفی را می‌پذیرند و مسائلی را در بر دارند که در حال حاضر بشر پاسخ آنها را نمی‌داند، ولی در عین حال جهل ما از آنها مانع رستگاری ما نیست. پس باید با تفاوت‌ها حتی با

شک به اشتباه بودن آنها زندگی کنیم. ما به عنوان انسان در جوامع خاص دینی نباید پاسخ‌های خود را غیرقابل تردید و ضروری بدانیم. هر باور ما به همراه یک یا چند عینک دینی-فرهنگی کمک می‌کند که واقعیت دینی به طور انسانی درک شود (Hick 2004, 372, 369). در کثرت‌گرایی دینی مورد نظر وارد، بر خلاف عقیده جان هیک که تمام دعای دینی را در مسیر نجات به یک اندازه درست و معتبر می‌داند، گزاره‌های دینی به یک اندازه صادق نیستند: «افراد می‌توانند 'نجات' یابند حتی اگر به برخی از چیزهای نادرست باور داشته باشند» (Ward 2019, 5). تلاش کیث وارد گذر از کثرت‌گرایی دینی حداکثری، به ویژه تعدیل مبنای معرفتی و حقانیتی آن، و تلاش برای ارائه فهم و تفسیری نرم از آن است. در این تحقیق سعی می‌شود که مؤلفه‌های تقریر وی استخراج گردد.

۲. مؤلفه‌های رویکرد کثرت‌گرایی دینی کیث وارد

از دیدگاه الهیاتی، رویکرد کثرت‌گرایی دینی دارای دو معنای کثرت‌گرایی در حقانیت و در نجات دینی است. در تقریر نجات‌شناختی، جان هیک تعدد سنت‌های دینی را یک مجموعه پاسخ‌های فرهنگی به یک اندازه نجات‌بخش نسبت به یک واقعیت برتر یا متعالی می‌داند. کیث وارد ضمن اعتقاد به عدم اعتبار برابر حقانیت ادعایی ادیان و همچنین قبول یک نجات موجه از سوی ادیان متفاوت، اعتقاد دارد در کثرت‌گرایی دینی نرم، بر خلاف تقریر سخت جان هیک، تجارب دینی برای رستگار شدن به یک اندازه معتبر نیستند، افراد بر اساس تجربه‌هایشان و با یک نگاه معقولانه به سنت‌های دینی که گاهی متضاد هم هستند و برخی از آنها نیز همچنین نادرست هستند، در باور به آنچه انجام می‌دهند موجه هستند. در این تقریر نرم، این احتمال وجود دارد که مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی که به واقع‌نمایی تجربیات دینی می‌پردازند درست باشند، اما این احتمال هم هست که ما ندانیم و یا نتوانیم ادعا داشته باشیم که قطعاً آن گزاره‌های درست کدام هستند، ماهیت آنها چگونه است و ما همچنان به معرفتی یقینی نسبت به آن گزاره‌های دینی دست نیافته باشیم. کیث وارد سعی دارد، با ارائه اشکالاتی، تقریر سخت جان هیک را به طور کامل نپذیرد. او سعی دارد، با پذیرش موجه بُعد اعتقادی متفاوت و گاه متضاد ادیان، آنها را به یک شکل موجه و بادوام‌تر حفظ کند، یعنی ادعای معرفت یقینی ادیان را به طور موجه بپذیرد، تمام باورهای دینی را برای رستگاری به یک اندازه معتبر، کافی یا یقینی تصور نکند و همه ادیان را به یادگیری از یکدیگر و تجدید نظر و به آغاز یک تحول خلاقانه در باورهای دینی خطاپذیر خود دعوت کند.

۲-۱. کثرت‌گرایی دینی سخت جان هیک و نرم کیث وارد

کیث وارد می‌گوید آنچه را می‌توانیم در دیدگاه جان هیک «کثرت‌گرایی سخت» بنامیم، مبنی بر این که ادیان بزرگ دانش کمابیش به یک اندازه واقعی درباره واقعیتی فراتر از ما یا متعالی را ارائه می‌کنند، خود ابطال‌کننده خودش است. او معتقد است آیا در آغاز کار ما از این مطمئن هستیم که ادیان بزرگ این فرضیه را می‌پذیرند؟ ادیان می‌پذیرند که یک واقعیت الهی وجود دارد؟ می‌پذیرند که امر واقعی به صورتی کاملاً ناشناخته از بینش همه ما فراتر است؟ در این تقریر، گویی کثرت‌گرا مدعی قطعیت تجربه دینی خودش درباره حقیقت دینی است. کیث وارد می‌گوید واقعیت معنوی غایی کاملاً ناشناخته نیست، بلکه به روش‌های جزئی مختلف در سنت‌های مذهبی متنوع به طور واقعی شناخته شده است. برخی از باورهای دینی ممکن است اشتباه باشند و برخی ممکن است مناسب‌تر از دیگری باشند. ما می‌توانیم این ادعا را داشته باشیم که تمام دعاوی ادیان به یک اندازه معتبر نیستند، دیدگاه‌هایی که جزئی‌تر هستند و محدودیت خود را تصدیق می‌کنند مناسب‌ترند از دیدگاه‌هایی که مدعی‌اند تمام حقیقت دینی در دین خاص آنها وجود دارد (Ward 2008a, 226-227). کثرت‌گرایی نرم به این معناست:

در بسیاری از ادیان، افراد بر اساس تجربه‌هایشان و بر اساس نگاه معقولانه به سنت خود آن گونه که آن را می‌بینند در باور به آنچه انجام می‌دهند موجه هستند. در این شکل احتمالاً مجموعه‌ای از گزاره‌ها، که حقایق دینی را بیان می‌کنند، دارای بیشترین کفایت هستند، اگرچه ممکن است ندانیم آنها چه هستند و یا حتی هنوز آنها را بیان نکرده باشیم. (Ward 2008a, 234)

کیث وارد که موافق با شناخت تحول‌پذیر عقلانی و منطقی است، کثرت‌گرایی نرم را تقریری عقلانی، قانع‌کننده و قابل دفاع می‌داند. از نظر او، قواعد اساسی یک جامعه باید حداقل در خود جامعه مورد بحث کنش تعاملی برقرار سازند. او می‌گوید معیارهای عقلانی بسیار اساسی وجود دارد که می‌توان آنها را بر تمامی ادعاهای حقیقت، چه در دین و چه در جاهای دیگر، اعمال کرد. عقلانیت شامل استفاده از ظرفیت‌های هوشمندانه، از جمله ظرفیت ثبت اطلاعات به درستی، مقایسه اطلاعات مشابه، استنباط و استنتاج مطابق قواعد منطقی و ارتباط مؤثر واسطه‌ها با اهداف است (Ward 1994, 319). کثرت‌گرایی نرم دیدگاهی است که معتقد است حقیقت دینی در بسیاری از سنت‌ها می‌تواند متجلی شود و انسان‌ها در سنت‌های مختلف می‌توانند به آن به طور مناسب پاسخ دهند (Ward 1990, 16). این کثرت‌گرایی می‌پذیرد که ادیان مختلف تقریباً به یک اندازه موجه هستند و

تبدیل همه سنت‌ها به یک سنت دینی کاری ضروری یا شاید مطلوب نباشد (Ward 195, 2006). البته کیث وارد معتقد است این سنت‌های دینی ممکن است حاوی بسیاری از باورهای نادرست نیز باشند (Ward 1994, 317). توجه به با صدق و حقانیت فرق دارد. من می‌توانم بپذیرم که دیگران در داشتن باورهای خود موجه هستند، اما در عین حال ادعا کنم که اعتقادات آنها نادرست است (Ward 2006, 195). از نظر طرفداران رویکرد کثرت‌گرایی نرم، ویژگی تحسین‌شده این رویکرد در جایی است که وقتی قضاوت‌های اخلاقی با هم برخورد می‌کنند، فرصتی برای شهروندان وجود دارد که از مزیت هر یک از قضاوت‌ها استفاده کنند (Rosen 2007, 747). در حالی که مؤمنان می‌توانند در ذهن خود نسبت به اعتقادات دینی خود یقین داشته باشند (در واقع در مورد آنها تردید نداشته باشند و در عمل به آنها کاملاً متعهد باشند)، نباید به طور معرفتی ادعای یقین داشته باشند (Ward 2006, 194). کیث وارد، در عین احترام و تحسین کثرت‌گرایی جان هیک، درمی‌یابد که در کثرت‌گرایی دینی او، اگر اکثر ادیان تأیید کنند که واقعیت نجات‌بخشی وجود دارد که فراتر از انسان و جهان است، گویی ما ادیانی را انتخاب کرده‌ایم که اعتقاد به وجود واقعیتی متعالی و نجات‌بخش دارند، اما این بیشتر نوعی انحصارگرایی کلی و انتزاعی است تا کثرت‌گرایی دینی (Ward 1990, 3). او می‌گوید نمی‌توانیم مانند جان هیک تأیید کنیم که تمام ادیان، با این که نمی‌توانند به واقعیت به طور کافی پی ببرند، بپذیرند یک حقیقت نامتناهی الهی وجود داشته و این حقیقت بالاتر از ادراک و تصور ماست. زیرا دیدگاه‌های دینی‌ای وجود دارند که بر این باورند که حداقل دو واقعیت الهی، یکی خیر و دیگری شر، وجود دارد (Ward 2019, 124). کیث وارد معتقد است «اصلاً روشن نیست که ادیان مختلف از آنچه غیرقابل توصیف می‌دانند تلقی یکسانی داشته باشند» (Ward 1990, 6). با وجود این، بسیاری از ادیان ادعا می‌کنند که حقایق را درباره ماهیت جهان و سرنوشت انسان بیان می‌کنند که برای نجات و سعادت غایی انسان مهم یا حتی ضروری است. به نظر می‌رسد بسیاری از این حقایق ناسازگار باشند، اما با این حال هیچ روش توافق‌شده‌ای بین ادیان در باب تصمیم‌گیری برای پذیرش این حقایق وجود ندارد (Ward 1990, 1).

در حالی که احکام تأییدی ما خطاپذیر هستند یعنی همیشه ممکن است که واقعیت آن طور که برخی گزاره‌ها ادعا می‌کنند نباشد، این که فکر کنیم درست است تأیید کنیم که واقعیت همان است که در گزاره‌های ارائه‌شده ما توصیف شده [امر قابل قبولی نیست]. (Ward 1990, 2).

کیث وارد می‌گوید هر چه سعی کنیم دقیق‌تر در مورد این که یک موجود فوق‌العاده خوب چگونه خواهد بود بدانیم، اختلاف‌نظرها چند برابر می‌شود. این اختلاف‌نظرها مکمل هم و لزوماً بین ادیان مختلف نیستند، هر ادعایی منحصراً در مقابل ادعای مخالف خودش است (Ward 2019, 129). اگر گزاره‌ای مانند «از آنجا که نمی‌توانیم صحبت کنیم، باید سکوت کنیم» را با جدیت کامل در نظر بگیریم، نمی‌توانیم بگوییم «خدا هست» یا «واقعیت غایی وجود دارد». با توجه به همه آنچه می‌دانیم، واقعیت غایی و عدم اصلاً دو چیز یکسان نیستند (Ward 2019, 125). در نهایت کیث وارد معتقد است می‌توانیم با تعریف اولیه‌ای از کثرت‌گرایی موافق باشیم که مطابق آن «ادیان بزرگ راه‌های متفاوتی برای تصور یک واقعیت الهی غایی هستند، اما باید اضافه کرد که برخی از این راه‌های تصورات واقعیت غایی نادرست خواهند بود» (Ward 2019, 129).

۲-۲. مؤلفه‌های کثرت‌گرایی دینی کیث وارد

۲-۱-۲. تعهدی محدود و قابل قبول به بعد اعتقادی دین

کیث وارد با وجود تضاد موجود در بین ادیان می‌گوید من به عنوان یک مسیحی، با تمرکز بر اعتبار مسیحیت، معتقدم که باورهای مربوط به خود واقعیت برتر، که به طور مستقیم توصیفی نیستند، به برخورد ظریف‌تری نسبت به تقابل ساده یکی با دیگری، مانند این که حقیقت داشتن یکی لزوماً حقیقت داشتن دیگری را منتفی می‌کند، نیاز دارند (Ward 1994, 310). زیرا «در این صورت اعتقاد دینی برای کسانی که چنین چیزهایی را دوست دارند به یک گزینه تبدیل می‌شود» (Ward 2019, 9). او با توجه به اعتقاد کنتول اسمیت که عبارت «دین» را بیشتر تجسمی گمراه‌کننده می‌داند تا مفید، معتقد است که او برای جایگزین کردن چیزی به جای «خدا»، درباره مفهومی چون «دیگری فوق‌العاده بزرگ»، صحبت می‌کند. اما صفت «فوق‌العاده بزرگ» برای برخی افراد و نه برای برخی دیگر، مستلزم قدرت مطلق است، و برای برخی‌ها، و نه همه، بر اراده شخصی دلالت دارد (Ward 2019, 156-158). در دید کیث وارد ناکافی یا نامشخص بودن دعاوی ادیان بدان معناست که ممکن است همه ادیان حاوی برخی اشتباهات باشند و بسیار دشوار است که بگوییم ادیان می‌توانند در چارچوب مدل انحصارگرایانه، شمول‌گرایانه و کثرت‌گرایانه خلاصه شوند (Ward 2019, 5). اما از تقابل ادیان نتیجه نمی‌شود که در آنها هیچ چیز درست، هرچند ناکافی در مورد آن امر برتر، گفته نمی‌شود، بلکه سنت‌های مختلف در مورد امر برتر بصیرت‌های متفاوتی را معرفی می‌کنند (Ward 2019, 43). به

نظر می‌رسد کیث وارد به جای واژه «درست» یا «معرفت یقینی»، به واژه «قابل قبول» یا «خطاپذیر» تمایل دارد، زیرا قابل قبول بودن راه را برای تکامل درک ما از خود در آینده گشوده باقی می‌گذارد. از نظر کیث وارد، در عین این که ممکن است اختلاف‌نظر بین ادیان دلیل بر تنوع بین ادیان باشد، اما با تلاش و جستجویی دینی می‌توانیم بپذیریم که بین ادیان اشتراکاتی وجود دارد. در نظر وی، در دنیای جدید این کاری دشوار و غیرممکن است که یک دین را مانند جوامع قبیله‌ای با یک جامعه خاص مرتبط بدانیم و راه جستجو و تکامل حقانیت خود را در مرزی مشخص محصور کنیم. شایسته است که در ابتدا با حفظ تعهدی محدود به بُعد اعتقادی دین خاص خود، و بر اساس شناخت همدلانه دقیق و عمیق ادیان از یکدیگر و همچنین توجه به دلایل پذیرش یک دین در توجیه بُعد اعتقادی خود در میان ادیان متنوع، با روابطی مسالمت‌آمیز در جستجوی واقعیت دینی قابل قبول‌تری باشیم. کیث وارد معتقد نیست اختلاف‌ها باید نادیده گرفته شوند یا به عنوان معضلی خشونت‌ساز ملاحظه شوند. «گفتن این که پیروان دو دین مختلف به وسیله ایمان نجات می‌یابند، عمق اختلاف آنها را پنهان می‌کند» (Ward 2019, 159).

از نظر کیث وارد تنوع ادیان در دوره مدرن این گونه جهت گرفته است که بسیاری از متفکران سعی دارند که کمی از احساس ملی‌گرایی فاصله بگیرند و به جای وفاداری قبیله‌ای، دفاع منطقی از دین را بخواهند (Ward 2019, 10). او معتقد است با اهمیت یافتن آرمان‌های اخلاقی، کشف آنها ممکن است چیز خوبی باشد، تا جایی که می‌توان از اعتبار آداب و سنن کهن رها شد و به طور آزادانه و از روی آگاهی مجموعه‌ای منطقی از اصول اجتماعی را در جهان به نحوی کلی ایجاد کرد. اما باید با جدیت درباره این ارزش‌ها و این که آیا تقویت آنها فایده‌ای دارد یا خیر فکر کرد. کارکرد عمل دینی در یک جامعه اخلاقی تنها کارکرد یک جنبه ذاتاً مبهم از دین است. چون اولاً واقعیاتی را نادیده می‌گیرد؛ ثانیاً باورهای دینی اغلب ضدفرهنگی هستند، یعنی می‌توانند هنجارهای یک جامعه گسترده را نقد یا رد کنند؛ ثالثاً یک بُعد عینی از واقعیت دینی وجود دارد که توسط انسان ایجاد نشده، اما می‌تواند موضوعی برای شناخت انسان واقع گردد (Ward 2019, 14-15). کیث وارد معتقد است تفسیر دعاوی دینی که در اثری مذهبی، مانند کتاب مقدس، مطرح می‌شود امر بسیار دشواری است. این تفسیر پیچیده‌تر از آن است که در ابتدا به نظر می‌رسد. اسطوره، از این نظر، احتمالاً فقط یک داستان تخیلی نیست که توسط کشیش‌ها برای اهداف خود ساخته شده باشند، بلکه هدفش ارائه حقایق مهم درباره ماهیت جوامع است، و انسان‌ها را به طور ایجابی با آنچه تصور می‌شود نیروهای معنوی برتری هستند که

در نهایت بر سرنوشت انسان حکومت می‌کنند، پیوند می‌دهد. باید متوجه باشیم که نیروهای غیرفیزیکی حاکم بر سرنوشت انسان به نیروها یا اشخاص یا اعمال فیزیکی محدود نمی‌شود، زیرا تمام این بازنمایی‌ها دارای ارزش یکسانی نیستند. پس معقول است تصور کنیم حتی بت‌پرستان نیز به دنبال یافتن و بازنمایی نیروهای معنوی نامرئی هستند که در جوامع آنها کارکردهایی دارد. در ادیانی چون اسلام، یهودیت و مسیحیت نیز این نیروی مقدس در دل مریدان یا در تلاوت آیات کتاب مقدس متمرکز است؛ البته که آنها نیروی معنوی را با اجسام متناهی فیزیکی یکی نمی‌دانند (Ward 2019, 16-19). باید در این تفسیر تحت‌اللفظی به بافت تاریخی و فرهنگی آن اسطوره، که یک اختلاف واقعی را آشکار می‌سازد، توجه کنیم. نکته مهم این است که جهان‌بینی موجود در این گزارش‌ها، اگرچه مبنایی معنوی برای طبیعت قائل است، اما مبتنی بر رویدادی و حیاتی (مظاهر نمادین یک نیروی روحانی برتر) و تاریخی (رویداد تاریخی قابل اثبات نیست) هستند. در عقیده کیث وارد، تلاش برای تبدیل اساطیر و نمادهای دینی به یک گزارش واقعاً عینی از منشأ جهان یک سوءتفاهم دیگر از واقعیت دینی است. باید در نظر داشته باشیم که این اساطیر و نمادها ممکن است به عنوان نوعی تمثیل یا ارزش‌یابی ترجیحی باشند که هیچ‌گاه تمام واقعیت دینی را بیان نمی‌کنند و با درکی لفظ‌گرایانه، در قالبی گسترده یا محدود، بُعد روحانی را مشخص می‌کنند. کیث وارد دلیل این ابتن را این می‌داند که ابعاد اعتقادی ادیان دیدگاه‌های بسیار متفاوتی را بیان می‌کنند که شامل گزاره‌هایی است که بدون هیچ‌گونه تبیین نظام‌مندی از باورهای جزئی جمع‌آوری شده‌اند (Ward 2019, 19-25).

کیث وارد معتقد است تحول افکار همواره ادامه دارد و بهتر است بگوییم تقریباً به هیچ وجه آینده به صورت یقینی پیش‌بینی‌پذیر نیست. جهان‌بینی‌ها در طول سالیان متمادی در ساختار تاریخی خاصی تکامل می‌یابند. گرچه آنها به واقعیتی معنوی اشاره دارند، اما به سبب چندپهلویی و نمادین یا استعاری بودن قابلیت انواع تفاسیر را دارند. تفاسیر ما به طور کامل نمی‌توانند تمام بُعد اعتقادی ادیان را به تصویر بکشند. تنوع و تحول تاریخی با تأکید بر بُعد اجتماعی و آیینی، بدون توجه و شناخت کامل بُعد اعتقادی دین، تضادی ندارد، چون نه راست و نه باطل هستند، فقط اهمیت و طریق تفسیر آنها کار دشواری است. پس هر گونه ادعا در باب حقیقت دین باید بر اساس بُعد اعتقادی آن باشد، این بُعد اعتقادی می‌تواند در ساختارهای تاریخی، زبانی، فرهنگی و از طریق تجربیات شخصی و رفتاری و نهادهای گوناگون به صورتی قابل قبول یا مورد اعتماد مطرح شود. در باور کیث وارد، تکامل یا تحول جهان‌بینی‌های دینی امر مفید و در عین

حال مبهمی است، زیرا می‌تواند به ایده یک خدای فوق‌العاده خوب منتهی شود که از همه مردم می‌خواهد ظرفیت‌های بالقوه خود را آزادانه و خلاقانه در یک جامعه عادلانه و دلسوزانه جهانی رشد دهند و یا همچنین می‌تواند به ایده یک خدای دیکتاتور منجر شود که مایل است همه رقبا را حذف شوند. در اینجا یک انتخاب وجود دارد، که آن اساساً مربوط به بینش اخلاقی و انسجام عقلانی است که توسط دیدگاه‌های مذهبی متنوع اما مرتبط فراهم می‌شود (Ward 2019, 24).

۲-۲-۲. رد کردن هسته‌ای واحد در زیربنای تمام ادیان

کیث وارد اعتقاد دارد تنوع زمانی مشکل‌ساز است که یک سنت ادعا کند فقط خودش یک واقعیت کامل و غایی را در بر دارد. نمی‌توان درباره ماهیت این ادعا به طور واضح دریافتی داشت. اهمیت وجود ادیان متنوع در نگاه کیث وارد به معنای نسبی بودن حقایق نیست، چون حتی به طور نسبی نیز ارزیابی یک گروه در مسیری دینی «برای آن گروه» واقعاً صادق است، و این دیگری است که باید معنای نسبی بودن را درک کند. نباید این گونه تصور کنیم که برای فرار از معضل نسبی‌گرایی بگوییم این مسیر دینی قطعاً در برخی سنت‌ها وجود دارد. همچنین راهی برای فرار از احتمالات نسبی به حکمت خالده یا هسته‌ای مشترک در ادیان وجود ندارد. حکمت خالده می‌تواند تنها به عنوان یک جریان در کنار سایر جریان‌های دینی وجود داشته باشد. کیث وارد معتقد است منطقی است که بسیاری از چیزهایی که دین می‌نامیم دارای اشتراکاتی باشند و اشتراک آنها توجه به بُعدی معنوی از واقعیت دینی باشد. اما این موضوع که هسته مشترک معینی از دین در یک سنت اولیه وجود دارد که زیربنای تمامی ادیان است موضوعی قابل مناقشه است، زیرا مواردی از دیدگاه‌های دینی شرک‌آمیز وجود دارد که وجود یک واقعیت غایی برتر را انکار می‌کنند، در حالی که برخی ادیان به واقعیت غایی معتقد هستند. در نتیجه «این واقعیت مهم است که دیدگاه‌های ظاهراً مخالف دینی می‌توانند به ویژه زمانی که به مرزهای زبان می‌رسند به هم نزدیک شوند، و فقط یک حکمت خالده وجود ندارد که در همه اشکال موجود و تکامل‌یافته ادیان حضور داشته باشد» (Ward 2019, 32-33).

۲-۲-۱. وصف‌ناپذیری تجربه

در برابر این معضل که در بین اشکال مختلف دیدگاه‌های متافیزیکی دینی، تجربه چگونه به تنهایی و بدون درک بلاواسطه از امر الهی دست به انتخاب بزند، کیث وارد بیان می‌کند عاقلانه است که در برابر صفت وصف‌ناپذیری یک تجربه، ادعای برابری تجربه خود با

حقیقت دینی را نداشته باشیم. در حالی که خود در تجربه غرق شده‌ایم، اما ادعا و حس مالکیتی بر تجربه وصف‌ناپذیر خود نداشته باشیم و مدعی نباشیم خودمان دقیقاً متوجه تجربه خودمان شده‌ایم. برای مثال، کیث وارد درباره هگل می‌گوید «به نظر می‌رسد ادعای آشکار هگل مبنی بر این که او حقیقت مطلق را می‌داند در تضاد با این ایده است که تاریخ آشکار شدن تدریجی حقیقت است» (Ward 2019, 110). با وجود این،

یک توصیف اعتقادی از دین، روشی برای تصور خیر غایی در پرتو یک تجربه است که آنچه احساس می‌شود مانند آن تجربه مشخصاً بی‌زمان نیست (یعنی آن برای زمان محدودی دوام دارد) و شخصیت مرا حذف نکرده است ... پس آنچه مشترک به نظر می‌رسد این ایده است که یک حس نادر اما بسیار مهم از یک واقعیت غایی وجود دارد که به معنای واقعی کلمه غیرقابل توصیف است، اما بیشتر شبیه ذهن محض، حکمت، و سعادت ابدی است تا این که بخواهد به نوعی با موضوعی در ناخودآگاه ما باطل شود، و راه رسیدن به آن از طریق فراموشی خود، لطف جهانی و نیایشی متفکرانه است. (Ward 2019, 40-41)

۲-۲-۲. آشکال ظاهری (الهیاتی) و باطنی (متافیزیکی) دین

در نظر کیث وارد ممکن است «دیدگاه باطنی و رمزی به تفسیر مجدد باورهای ظاهری منجر شود که نسبت به خود سنت‌های ظاهری بیگانه است. این باور متناقضی است که گفته شود سنت‌های ظاهری هم ضروری و هم نسبتاً صحیح هستند» (Ward 2019, 52). ما در آغاز، زندگی دینی خود را با آموختن نماد و آداب و رسوم شروع می‌کنیم، اما در ساختارهای گسترده‌تر، برخی باورها کم‌کم زیر سؤال می‌روند. در اینجا یک فرد دین‌دار با پیش‌زمینه‌ای از باورها چگونه می‌تواند دست به انتخاب بزند؟ آیا این پیش‌زمینه در انتخاب فرد تأثیر خود را نمی‌گذارد و آیا این تبعیض نیست؟ چطور درباره شکلی باطنی که نمی‌توانیم درباره آن چیزی بگوییم، می‌گوییم که همه ادیان به سمت آن حرکت می‌کنند؟ در نظر کیث وارد هر ادعای مشخص دینی ما «فقط می‌تواند واقعاً بگوید که فرد می‌تواند حالتی را تجربه کند که در آن احساس خودخواهی وجود ندارد و شادی و آرامش زیادی احساس می‌شود. و همچنین متوجه شود که راه خود فرد راهی کامل یا کافی نیست» (Ward 2019, 49). ما انسان‌ها امید داریم که یک حقیقت معنوی وجود دارد که هیچ کدام از ما آن را به طور کامل درک نکرده‌ایم و با تلاشی صادقانه در حال نزدیک شدن به آن هستیم؛ پس همگرایی معنوی ادیان و پذیرش تفاوت‌ها امید معقولانه ما است. اما مخالفت با دیدگاه غیراخلاقی و جهل و اهانت و ترس و نفرت نیز ضروری است.

«تفاوت‌های ادیان ممکن است نقش مثبتی در الهام بخشیدن به جستجوی دانش و درک کامل‌تر ما داشته باشند. آنچه ممکن است برخی دوست داشته باشند پذیرش هدف مشترک در باب حقیقت و لطف، و تنوع رویکرد ما به آن حقیقت معنوی است» (Ward 2019, 49).

۲-۳. بازنگری و تکامل ادعاهای دینی باستانی

با ظهور روش‌های علمی و فناوری‌های جدید، جهان بسیار متفاوت فرض شد، زیرا مطالعات انتقادی و انجام اصلاحات در جهان‌بینی‌ها و پرسش از میزان اعتبار متون در این دوران قوت گرفت. در نگاه کیث وارد آموزه‌ها در بازنگری، تکامل و هماهنگ کردن خود باید با حقایق عینی ارائه‌شده توسط علم - که ما در مورد ماهیت جهان به آن دسترسی داریم - ارزیابی شوند. ما باید ببینیم و قضاوت کنیم چطور و چگونه می‌توانیم آن را در زندگی به کار ببریم. چون هیچ امری بدون چالش و خطا نیست و نمی‌توان تحت تأثیر سنت دینی قرار نگرفت؛ البته که باید از گذشته درس گرفت اما نباید به طور ثابت به آن مقید بود. اما در این بازنگری باید تعهد خود به بعد اعتقادی را محفوظ نگه داریم، زیرا در غیر این صورت مجموعه‌ای از نگرش‌های صرفاً شخصی باقی می‌ماند که ممکن نیست با دانش عام دین نسبت برقرار کند. به طور مثال کیث وارد معتقد است اگرچه کانت معتقد به جدایی اخلاق از دین بود، اما یقیناً او در اخلاق حرف آخر را بیان نکرده است. نقدهای فمینیستی پس از او به رویکرد اخلاق، کم‌کم وی را به این سمت می‌کشاند که اصول‌گانتی باید خواهان برابری اخلاقی کامل بین طبقات اجتماعی و جنسیت‌های مختلف باشد. دکتر کوکلی همچنین تأکید می‌کند که «دین باید به طور کامل درگیر اصلاح جامعه باشد، نه این که صرفاً به امید زندگی بهتر پس از مرگ خلاصه شود» (Coakley 2013, نک). این بازنگری و تکامل در نظر شلایرماخر این گونه است که می‌گوید: «همه صفات الهی که در نظام اعتقادات مسیحی به آنها پرداخته می‌شود فقط به معنای توضیح احساس وابستگی مطلق است» (Schleiermacher 1989, 225). می‌بینیم که با گذشت زمان ادیان سعی دارند نشان دهند که بینشی خاص و استثنایی به آنها داده شده، اما به نظر می‌رسد ایده‌های آنها همچنان موقت و ناکافی است. این ناکافی بودن بیشتر به این دلیل است که بعد اعتقادی واقعیت دین تا حدی دست‌نخورده باقی می‌ماند و به همین دلیل هم دیدگاه‌های آنها قابل تحول است و هنوز نیز می‌توان ایده‌های آنها را دنبال کرد. از نظر کیث وارد، «پیشرفت فهم دینی، آن طور که هگل فکر می‌کند، یک پیشرفت کاملاً خطی نیست، و این که به طور کلی دیدگاه‌های ایدئالیست‌ها درباره دین را می‌توان در بسیاری از

سنت‌های دینی یافت» (Ward 2019, 105). کیث وارد معتقد است در اختلاف‌های خشونت‌آمیز در تاریخ بشریت، هرچند تفاسیر همگرا ممکن است پذیرفته نشوند، اما «چنین تفاوت‌هایی بیشتر شبیه تفاسیر متفاوت از یک آموزه معنوی تقریباً ساده است تا این که مانند تضادهایی باشد که ممکن است به این مسئله منجر شود که پیروان هر دین پیروان دین دیگری را به عنوان اعضای یک دین مخالف و متخاصم ببینند» (Ward 2019, 153). مثلاً

بین اعتقاد مسیحیان به عیسی به عنوان حکمت الهی (که به طور استعاری به عنوان «پسر خدا» و «کلام خدا» توصیف می‌شود)، و اعتقاد مسلمانان مبنی بر این که عیسی یک پیامبر بزرگ است و نه بیشتر، تفاوت باقی است. آنها در مورد شکل معتبر وحی خدا اختلاف نظر دارند. اما آنها می‌توانستند توافق کنند که هر دو را می‌توان (معمولاً توسط افراد مختلف) به عنوان اشکال اصیل وحی الهی در نظر گرفت که به طرق مختلف دیده می‌شوند. هیچ کدام نمی‌گویند که دیگری کاملاً در اشتباه است، اگرچه ممکن است فکر کنند تا حدی در اشتباه هستند. این یک پیشرفت بزرگ در روابط بین ادیان خواهد بود. (Ward 2019, 152)

در باور کیث وارد، واضح است که تنها یک خدا وجود دارد، اما مسیحیان می‌گویند که خدا به سه طریق وجود دارد، این دیدگاهی است که ممکن است مسلمانان آن را نپذیرند، اما این عدم پذیرش به منزله انکار وحدت و واقعیت وجود الهی نیست. قرآن می‌فرماید: «خداوند فرزندی به دنیا نمی‌آورد» (Ward 2019, 151). این موضوع از یک نگاه محدود ممکن است در تضاد با عقیده مسیحی باشد.

مسلمانان ممکن است نتوانند موافقت کنند که عیسی توسط خدا انتخاب شده است تا کلام ابدی خدا را در یک انسان آشکار کند ... [اما] آنها می‌توانند توافق کنند که استفاده از این عبارت باعث این اشتباه نمی‌شود که فکر کنیم خدا شریکی دارد که او یک فرزند جداگانه الهی است. (Ward 2019, 151-152)

۳. لوازم منطقی دیدگاه کیث وارد

۳-۱. گشودگی موجه در لزوم حد کفایت یا درست بودن باورهای دینی
کیث وارد معتقد است اگر همه باورهای دینی به یک اندازه مفید و قابل قبول و مورد اعتماد نباشند، دلیلی نیست که کثرت‌گرا نباشیم، می‌توانیم یک کثرت‌گرای منطقی به همراه باور به وجود دعاوی نادرست باشیم. ما می‌توانیم به واقعیت خاص دینی خود متعهد

باشیم، یعنی آن را برای خود محفوظ نگه داریم، اما نسبت به آن تعصبی نداشته و ادعای کفایت حقیقت دین خاص خود را نداشته باشیم. این را بپذیریم که هنوز و همچنان خود ما به تمام حقیقت جاهل هستیم و آمادگی پذیرش معرفت قابل قبول‌تری را داشته باشیم و نسبت به فهم خود ادعایی جزمی و مطلق نداشته باشیم. پس اولین نتیجه ضمنی کثرت‌گرایی دینی نرم کیث وارد این است که ادیان، در عین محفوظ نگاه داشتن حقانیت دینی خود، آن را با گفتگو، ارتباط و فهم متقابل قابل قبول‌تر دریابند. زیرا قطعاً بشر متناهی است و نمی‌تواند ادعا داشته باشد که امری نامتناهی را به طور کافی دریافته است، اما همچنان نیز نمی‌تواند مدعی باشد در برابر امر برتری که ساحت گسترده‌ای دارد هیچ شناختی از آن ندارد، زیرا این ادعا خود مخالف با شناخت‌های جزئی خطاپذیری است که در طول تاریخ اصالت و اعتبار نابرابر ادیان را شکل می‌دهد. کیث وارد معتقد است دغدغه دین باید دغدغه جستجوی حقیقت باشد، نه تصور کفایت نسبت به آنچه به آن رسیدیم. جستجو یعنی ارتباط، و شرط ارتباطی همدلانه نگاهی موجه و منطقی به دو طرف این ارتباط است. جستجوی دینی همانا گشودگی به روی اعتقادات ادیان و ارزیابی و قبول اشتباه و اصلاح خودمان است.

۲-۳. احترام موجه ادیان به یکدیگر و اهمیت عمق‌بخشی به باورهای خود

کیث وارد بر این نکته تأکید دارد که نباید و شاید لازم نیست که این گونه عجولانه، مصرانه و مضطربانه حقیقت دینی را بخواهیم با تجربه دینی خاص خود برابر بدانیم. این که تصور کنیم به حقیقت دین دست یافته‌ایم ادعای قابل قبولی نیست. باید سعی کنیم که در جستجو و تلاش دینی، در ابتدا افرادی را که صراحتاً بدون برجسب دین‌داری، دین‌دارانه در مسیر دینی در تلاشی دینی هستند مورد توجه و احترام قرار دهیم. ثانیاً به دین‌داری خودمان ژرفای بیشتری ببخشیم و تفسیری قابل قبول‌تر بیابیم که تفاوت‌ها را معقول‌تر سازد. ما نباید همه افرادی -چه دین‌داران و چه افرادی که به صراحت عنوان دین‌دار ندارند- که سعی دارند در مسیر معنویت دینی قرار گیرند نادیده بگیریم. درباره حقیقت مطلق باید بدانیم که تعبیر تمام زبان‌های الهی از جهاتی ناکافی و نمادین است. شکل کلماتی که ما با بهترین نیت استفاده می‌کنیم، احتمالاً «مطلقاً» درست نیست، و به طور حقیقی آنچه خدا هست را آشکار نمی‌کند (Ward 2019, 185).

۳-۳. وجود امکان تفاهم در اختلاف اغراق آمیز ادیان

تنوع و اصرار بر اختلافات اموری هستند که باید آنها را از هم منفک کنیم. تنوع ادیان می‌تواند امری طبیعی در نظر گرفته شود. اختلاف نظرها می‌توانند، بدون ایجاد مناقشه، در تلاش مشتاقانه مشترک ادیان بررسی و ارزیابی شوند. اما اصرار و تأکید بر اختلافات و ربط دادن این اختلافات به حس برتری مسئله‌ساز است. در دید کیث وارد، ما شواهد کمی داریم که بتوانیم بپذیریم ادعای یک دین خاص درست و برتر از دیگری است. به همین دلیل، این امری طبیعی است که آن بخش از واقعیت دینی آشکار شده در یک دین خاص نزد ادیان دیگر قانع‌کننده نباشد. می‌توانیم احتمال دهیم با مطالعه ادیان دیگر عناصری را بیابیم که مکمل واقعیت دین خاص ما باشند. از نظر کیث وارد، مرزبندی ادیان چنان نیست که ناشی از اختلاف خشونت‌آمیز بین ادیان باشد، بلکه این مرزبندی ناشی از نگرش‌های دینی دین‌داران ادیان است. تفاوت در فهم ادیان مختلف از همدیگر است که موجب ایجاد مرز بین ادیان می‌شود. با غوطه‌ور کردن ادیان مختلف در یک امر نامتناهی ناشناخته شاید نتوان بر تفاوت‌ها غلبه کرد، اما مشاهده این که ممکن است در چنین تفاوت‌هایی به دلیل سوءتفاهم و ناآگاهی دیگران اغراقی صورت گیرد، می‌تواند نکته مفیدی باشد. از منظر کیث وارد «هیچ روش توافقی برای تصمیم‌گیری و پذیرش وجود ندارد» (Ward 1990, 1). او با این بیان که نهادهای دینی نیز ممکن است مرتکب اشتباه شوند و همچنین ممکن است واقعیتی دینی از فردی که از منابع مختلف دینی بی‌اطلاع است ذکر شود، واقعیت دین را نیازمند به وسعت بیشتری از مرزهای ادیان می‌داند. گویی دین چکیده هستی است و مرز و نام‌گذاری و تملک دینی خاصی را بر نمی‌تابد، بلکه فضایی باز می‌خواهد تا خود منظور خود را در قبال شوق و تلاش به ما منتقل کند و حداقل کاری که ما باید انجام دهیم این است که این حوزه را محصور نکنیم.

۳-۴. تعهدی خطاپذیر از تجربه واقعیت دینی خود

کیث وارد معتقد است که واقعیت هر دین این توانایی بالقوه را دارد که بر داده‌های امور جدید و یافته‌های علوم جدید منطبق شود. بنابراین تأکید و اصرار ادیان بر باورهای سنتی و عدم توجه به نظرها و یافته‌های جدید، فقط حوزه دین را محصور می‌کند. این نیرو و توانایی اعجاب‌انگیز حقیقت دین است که دربرگیرنده تمام تاریخ است و نقص و کمبودی را در برابر تحولات آن نمی‌پذیرد. منظور کیث وارد از کثرت‌گرایی این است که باید از ادعای داشتن تمام حقیقت یا احساس کفایت نسبت به دیگری خودداری کنیم. حداقل

باید به برخی از باورها و اعمال دینی دیگران با دید مطلوب نگاه کنیم. در نظر او تجربه دینی امری است که شاید یک نوع احساس غرق شدن، فارغ از حس مالکیت نسبت به آن حقیقت باشد، اما همواره باید این نکته را در نظر داشته باشیم که این تجربه متناهی بودن انسان را متوقف نمی‌کند و به تنهایی از این که به ما بگوید واقعیت دینی ما چگونه است ناتوان است. دشوار و مبهم است که اولاً با ادراک امری فراتر از ادراک را توصیف کنیم، چون درباره امر فراتر از ادراک می‌توان چیز مقبول و مناسب اما ناکافی گفت، و همین ناکافی بودن است که همچنان حقیقت را غیرقابل شناسایی باقی گذاشته است. در ثانی حقیقت چندین جنبه دارد و در این بین چطور می‌توان مدعی شد که بتوان فراتر از جنبه شخصی و نسبی حقیقت را درک کرد. کیث وارد بر این باور است که حتی مکاشفات ما معیار قضاوتی ندارند. در اینجا نیز می‌توانیم قائل شویم که تمام مکاشفات ما نمی‌توانند درست به حساب آیند، مگر این که بخواهیم در مکاشفات خود تکامل یا بازنگری و اصلاحاتی انجام دهیم که در این صورت دیگر مکاشفه ما مکاشفه نیست؛ زیرا اخلاق و عقل برای نقد در دیدگاه باطنی به کار نمی‌رود. می‌توانیم بگوییم که شهود نوعی حدس است.

ممکن است چیزی از امر الهی باشد که فراتر از توصیف و درک باشد، و ممکن است چیزی وجود داشته باشد که همچون یک حضور ذهنی شخصی به نظر برسد. چرا هر دو نمی‌توانند درست باشند و چرا باید یکی از دیگری «بزرگ‌تر» باشد؟ (Ward 2019, 35)

مشکلاتی که با توجه به موقعیت‌های تاریخی متفاوت و تغییر و تحولات زندگی فردی ما وجود دارد باعث شده که تجدید نظر در دیدگاه‌های دینی یک راه منطقی برای دین‌ورزی در عصر مدرن باشد که هم تنوع ادیان را نادیده نمی‌گیرد و هم ما را به مرحله‌ای فراتر از نوعی تحمل ساده دیگری راهنمایی می‌کند (Ward 2019, 199). آن فرد یا نهادی که ادعای برتری دارد، چگونه می‌تواند در کفایت ادعای خود ادله‌ای داشته باشد؟ این باور که مکاشفه دیگران نادرست است و فقط ادعای خود شخص صادق است، نمونه‌ای بارز از غرور و منفعت شخصی انسان است. یک فرد تمایل دارد که دین خود را تنها دین حقیقی بداند، زیرا این امکان را به او می‌دهد که دیگران را بی‌دلیل کنار بگذارد و بنابراین در احساس برتری خود غرق شود. ممکن است کسی ادعا کند که تنها به لطف خدا حقیقت را در اختیار دارد، اما این ادعا فقط غرور انسانی را برجسته‌تر می‌کند، زیرا اکنون آن فرد ادعا می‌کند که واقعاً فیض در اختیار خود اوست. به سختی می‌توان فردی مغرورتر، خودپسندتر و کوتاه‌فکتر از این فرد یافت (Ward 1994, 17).

۳-۵. بازنگری دقیق در دسته‌بندی ادیان

کیث وارد معتقد است «چرایی و چگونگی تفاوت و اختلاف ادیان این را می‌رساند که آنها در تعارض با همدیگر نیستند، بلکه در پی مجموعه منطقاً ممکن از پاسخ‌ها به پرسش‌های اساسی انسان درباره معنویت هستند» (کریمی ۱۳۹۴، ۱۳). او خود را طبیعت‌گرا نمی‌داند و می‌گوید یک دلیلش این است که از دامنه کلمه «طبیعی» مطمئن نیست. هیچ کس واقعاً نمی‌داند انرژی و ماده تاریک و آینده طبیعی جهان چیست یا چگونه است، یا چگونه بر جهان مرئی تأثیر علی می‌گذارد (Ward 2020, 85). او معتقد است بهتر است پیچیدگی‌ها و تنوع ادراکات توصیف شوند تا این که بخواهند در یک روایت کلان جای بگیرند (Ward 2020, 87-88). کیث وارد سعی دارد یک تقسیم‌بندی جدید از ادیان ارائه دهد. او تقسیم ادیان بر اساس رویکردهای انحصارگرایی و کثرت‌گرایی و شمول‌گرایی را، که توسط آلن راس، شاگرد هیک، مشخص شده و اغلب با کارل رانر مرتبط است کافی نمی‌داند (Ward 2019, 145).

از نظر وی ممکن است متوجه شویم هیچ مجموعه‌ای از ادعاها را نمی‌توان کاملاً درست در نظر گرفت، اما می‌توان مجموعه‌ای از دعاوی دینی را با اخذ از ادیان مختلف و حتی از منابع مختلف غیردینی ساخت که درست تلقی شوند. یا چندین دین ممکن است دارای یک مجموعه اساسی از دعاوی حقیقت مشترک باشند. یا یک دین نسبت به سایر ادیان دارای کفایت بیشتر باشد، اما هیچ نهاد دینی دارای حقیقت کامل نباشد. یا بین شمول‌گرایی و کثرت‌گرایی تعدادی از اهداف دینی متنوع و ظاهراً متضاد را در نظر بگیریم که متعادل هستند، یعنی تمام سنت‌های دینی را بخشی از هدف الهی بدانیم که با وجود تضاد بین آنها در صورتی متعادل به این ساختار اضافه می‌شوند. ادعاهای ما در حقانیت دینی معمولاً به مجموعه‌ای از ادعاهای مرتبط تعلق دارند که توسط نهادها یا جوامع دینی خاص حفظ می‌شوند. اعضای آن مجموعه‌ها ممکن است همه درست نباشند، و این امکان وجود دارد یا حتی محتمل است که هیچ مجموعه‌ای حاوی تمام حقایق موجود در مورد واقعیت غایی یا در مورد چگونگی دست‌یابی به شکوفایی انسان نباشد. در آخر این که می‌توانیم بگوییم ادعاهای مربوط به حقایق خاص دینی انحصاری هستند ولی این مسئله را گشوده بگذاریم که تا چه اندازه برخی از این ادعاها توسط ادیان خاص مطرح شده است (Ward 2019, 145-147). اعتقاد کیث وارد این است که دعاوی واقعیات دینی خاص می‌توانند محدود باشند، اما باید زمینه را برای سایر ادیان، تا اندازه‌ای که عناصر مکمل این ادعاها توسط نهادهای دینی یا مذاهب خاص دیگر مطرح می‌شوند، باز

بگذاریم. وی معتقد است سخت است بفهمیم هدف الهی چیست، اما سخت نیست که ببینیم که بسیاری از ادیان چیزهای زیادی برای یادگیری از یکدیگر دارند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد نشان داده شود چگونه کیث وارد تلاش صادقانه‌ای دارد که با اجتناب از رویکردی انحصارگرایانه و شمول‌گرایانه، از کثرت‌گرایی مورد نظر جان هیک عبور کند تا مؤلفه‌های مهم تقریر کثرت‌گرایانه خود را در دفاعی موجه طرح نماید. او در تفسیر قانع‌کننده و قابل دفاع نوین خود از رویکرد کثرت‌گرایی، مهم می‌دانست که در کنار تعهد و حفظ بُعد اعتقادی دین خاص خود، این تعهد را در یک مسیر دینی و در روابط بین ادیان متنوع با تجدید نظر در خطاهای خود و یک پذیرش موجه منطقی به حد کفایت برساند. از نظر او مهم است که پذیرای اصلاحات و آموختن عناصری تازه از ادیان دیگر باشیم. طرح ایده کثرت‌گرایی نرم و گشوده می‌تواند افق‌های جدیدی را به روی ما بگشاید. اگر این امر قابل پذیرش باشد که ما می‌توانیم با گذشت زمان در عین تعهدی قابل بسط به بُعد اعتقادی خویش با انجام گفتگو یافته‌های خود را کامل‌تر کنیم و مانند جان هیک ادعا نکنیم که تمام یافته‌های ما در برابر امر متعالی به یک اندازه معتبر یا ارزشمند است، به نظر می‌رسد گام قابل قبول‌تر و بادوام‌تری برای سازگاری موجه بین ادیان برداشته‌ایم. اما چند سؤال ممکن است برای ما ایجاد شود از جمله این که حال آیا حق افرادی که در ابتدا دین‌دار بودند و تا به امروز در میان ما نیستند و از تحولات و یافته‌های جدید حاصل از تعاملات تجارب دینی امروز ما بی‌خبر هستند، بدون این که تقصیری داشته باشند ضایع نمی‌شود؟ انتخاب واژه سختی و نرمی بر چه مبنایی است؟ آیا انتخاب چنین واژگانی در درجات و سطوح مختلف می‌تواند توجیه قابل قبولی از کثرت‌گرایی نرم باشد؟ به نظر می‌رسد هنوز هم تا حد زیادی کیث وارد تحت تأثیر گفتمان هیک از کثرت‌گرایی دینی است. علت این مشکل پذیرش نسبی اصول و مؤلفه‌های کثرت‌گرایی حداکثری است که موجب تن دادن به لوازم آن توسط کیث وارد می‌شود. در نهایت این که تلاش کیث وارد در گذر از کثرت‌گرایی سخت جان هیک حاوی بصیرت‌های ارزشمندی است، به ویژه این که او به فهم و تجدید نظر سنت‌های مختلف در درون خود توجه خاصی دارد و از ارزش متفاوت بُعد اعتقادی ادیان غافل نیست و به امتناع تصاحب کامل حقیقت در سنت‌های دینی مختلف اشاره می‌کند. او سعی دارد که در کثرت‌گرایی همه دیدگاه‌ها را به یک اندازه

درست نداند بلکه موجه بداند که برخی دیدگاه‌ها - مثلاً آن دیدگاه‌هایی که تجدید نظر و اصلاحاتی را برای خود می‌پذیرند- قابل قبول‌تر باشند.

کتاب‌نامه

کریمی، سودابه. ۱۳۹۴. «مقدمه». در در باب دین: معنا، رویکرد و آینده، نوشته کیث وارد. تهران: حکمت.

- Coakley, Mary. 2013. *God, Sexuality and the Self*. Cambridge University Press.
- Hick, John. 2004. *An Interpretation of Religion Human Responses to the Transcendent*. Palgrave Macmillan.
- Rosen, Mark D. 2007. "Hard or Soft Pluralism?: Positive, Normative, and Institutional Considerations of States' Extraterritorial Powers." *Saint Louis University Law Journal* 51(3).
- Schleiermacher, Friedrich. 1989. *The Christian Faith*. Translated by H. R. Machintosh and J. S. Stewart. Edinburgh: T and T Clark.
- Ward, Keith. 2006. "Pluralism from a Christian Perspective." In *Abraham's Children: Jews, Christians and Muslims in Conversation*, edited by Norman Solomon, Richard Harries, and Tim Winter. T & T Clark.
- Ward, Keith. 1990. "Truth and the Diversity of Religions." *Religious Studies* 26(1): 1-18.
- Ward, Keith. 1994. *Religion and Revelation: A Theology of Revelation in the World's Religions*. Oxford: Clarendon Press.
- Ward, Keith. 2007. *Christianity: A Beginner's Guide*. One world Publications
- Ward, Keith. 2008a. *The Case for Religion*. One world Publications.
- Ward, Keith. 2008b. Is Religion Dangerous? *An Irish Quarterly Review* 97(388): 413-419.
- Ward, Keith. 2019. *Religion in the Modern World Celebrating Pluralism and Diversity*. Cambridge University Press.
- Ward, Keith. 2020. "Naturalism." *Think* 56(19).